بسمه‌تعالی

سابقه‌ی مدیریت: رشته‌ و مقطع تحصیلی: سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش:

تاریخ مصاحبه: /1401 محل مصاحبه:

پژوهشگر:

خانوم میر محمدی جان شما چند ساله که مدیر هستین ؟

نه سال سابقه مدیریت دارم .

چند ساله که در اموزش و پرورش هستید ؟

از سال شصتو چهار تو اموزش و پرورش بودم ، سی سه سال سابقه کار دارم .

یعنی سه هفت ساله که تو اموزش و پرورش هستین .

البته یک سالایی مرخصی داشتم یا حق التدریس بودم ، سابقه رسمی که محسوب شده سی سه ساله .

رشته تحصیلیتون چی هست ؟

کارشناسی رو من تکلونوژی اموزشی خوندم ، ارشدم رو تعلیم تربیت کودکان پیش دبستانی .

بنظر شما یک مدیر اموزشی ، تو همین جایگاه که خودتون هستین ، شما به عنوان مدیر اموزشی هستین دیگه ، چه شایستگی هایی باید داشته باشه اون مدیر ?

این توی اموزش و پرورش و توی مدرسه خیلی مهمه که اولا از سمت های مختلف تو حوزه های مختلف کار کرده باشه ، مثلا معلمی کرده باشه ، حتما معاونت کرده باشه ، تجربه کار تو حوزه های مختلف رو داشته باشه ، دانش لازم رو چه برای تدریس و چه برای مدیریت داشته باشه و یک خصوصیات فردی هم هست که من معتقدم هر مدیری باید داشته باشه که \* صبری که باید داشته باشه و یک کاریزما که بیشتر حالت فردی میشه و شخصی میشه .

این کاریزما رو در واقع تو حیطه حالت رهبری مورد استفده قرار میگیره .

بله ، حتما یک مدیر رو من معتقدم رهبر اون روح جمع هم باشه تا بتونه موفق بشه .

خانوم میر محمدی جان تعریفتون از فضای یاد گیری چیه ، یعنی یک فضای یادگیری مناسب رو شما چطوری تعریف میکنین؟

من همیشه به همکارام میگم ، همه همکارام حتی به راننده های سرویس ، حتی به خدمت گذار و به همه تک تک همکارا که هرجایی و هر موقعیتی و هر زمانی یک فرصت یادگیریه . اون راننده سرویس وقتی بچه واردش میشه سلام نمیکنه یک فرصت یادگیریه ، باید بهش یاد بده عزیزم وقتی که وارد جایی میشی سلام کن ، وقتی اشغال میریزه باید یادش بده عزیزم اینجا مثل خونته نباید اشغال بریزی ، سکوت و رعایت بقیه کردن ، تو کلاس همینجور . یک موقع هایی یک مسایلی پیش میاد ، به همکارا میگم بچه ها اینا یک فرصت یادگیریه ، یعنی اصلا فقط اون کتابو اون کلاسو اون دفتر نیست که فکر کنین فرصت یادگیریه . هرجا هرلحظه ، حتی تو حیاط مدرسه موقع خرید از بوفه ، اینا همه فرصتای یادگیریه . گاهی اوقات اولیا میان اعتراض میکنن نسبت به یک مساله ای ، من بهشون میگم چرا شما از این قضیه ناراحتین ، یک فرصت یادگیریه به بچتون یاد بدین پاباوری رو ، به بچتون یاد بدین رعایت بقیه رو ، به بچتون صبر رو یاد بدین . یعنی همیشه همه جا و همه زمان فرصت یادگیریه ، مهم اینه که ما از دستش ندیم .

پس در واقع یعنی شما هرجایی رو که فرصت یاد گیری وجود داره که همجا در واقع میشه ، اونجا فضای یادگیریه .

مهم اینه که ما از اون زمانو مکان استفاده کنیم برای یاد دادن به بچه ها .

از نظر شما پس یعنی میخاین بگین که خود اون فضای یادگیری هم خودش یک عامل مستقیم برای یاد گیری بچه هاست ؟!

اصلا فضای خاصی روی من چیز نمیکنه ، میگم هرجایی میتونه . هرجایی ، اصلا جایی مثلا بخای محدودو مشخصی رو بخای تایین کنی ، من به این باور ندارم .

حالا با این تعریف ، کلاسای درس فعلیمون رو چقدر مناسب میدونید؟

متناسب با زمان ما نیست نسل ما نیست ، ما یک نسلی داریم که خیلی هاشون از معلم هاشون توی تکلونوژی جلوترن ، بیشتر دانش دارن ، بیشتر مسلطن ، نسلی داریم که اطلاعات خیلی زیادی در اختیارشه از طریق اینترنت رسانه ها ، این کلاس و این محتوا برای این نسل کافی نیست و لازم هست که واقعا معلمین خودشون رو بروز کنن و تلاش بکنن که خودشون رو به این نسل برسونن و هم پایه این نسل باشن و باید از این کلاس خارج شد ، اگر از نظر فیزیکی نشه از این کلاس خارج شد میتونیم از نظر محتوایی و معنایی فراتر از این کلاس های محتوایی بریم ، حتما باید این اتفاق بیوفته .

خب محتوا هم باید در واقع اون کلاس ، اون ظرف هست برای در واقع این که محتوا بتونه تو اون جاری بشه . اگر نشه در واقع از اون فضای کلاس خارج شد ، چطور میشه فضای کلاس رو با محتوای که میگید باید فراتر باشه .

عرض کردم ، با توجه به این که الان ما تو سال های اخیر فضای مجازی رو داریم ، یک مقدار دست همکارا باز شده . خود این فضای مجازی به ما اجازه میده فراتر از اون کلاسو محتوا پیش بریم .

میتونین یکم ساده تر بهم بگین ، مثال بزنین ؟

بله قطعا ، مثلا وقتی که بچه ها توی فضای مجازی میتونن یک اظلاعاتی رو خودشون پیگیری کنن ، مثلا سرچ کنن توی اینترنت برن ، یا الان مثلا شما تو خود فضای شاد ، میبینین چقدر روش تدریس های مختلف هست . قبلا ما به یک معلمو یک کلاس هر دانش اموز اکتفا میشد ، الان میتونه ده ها تدریس از ده ها معلم بچه ببینه ، میتونه تجربیات دانش اموزان دیگه داعما در اختیارش باشه ، اینا امکاناتیه که الان در اختیار این نسل و این بچه ها قرار گرفته .

خب این امکاناتیه که در اختیار بچه هاست ، شما توی فضای مدرسه یعنی ساختمون زمانی که بچه ها پیش شما هستن ، چطوری در واقع این فضارو براشون فراهم میکنین ؟

در این ساختمون این فضا هم با توجه به این که همه کلاسای ما هوشمنده ، تخته های هوشمند دارن ، همه همکارای ما لپ تاپ دارن ، باز از خیلی از فیلم های اموزشی متنوع و خیلی از امکانات حالا دیجیتالی یمتونن در کلاس استفاده بکنن ، ضمن این که تاکید میکنیم که از فضای حیاط و فضای محله ، از امکاناتی که دوروبر در اختیار دار هست بتونن استفاده بکنن .

خب استفاده میکنن ؟!

بله ما مثلا مسجد ، با توجه به این که روبروی مدرسه هست ، خیلی از فضا های مسجد و امکانات مسجد استفاده میکنیم . سرای محله باز خیلی به ما نزدیکه ، ما از امکانات اونجا استفاده میکنیم ، گاها دیدیم مثلا بازدید هایی برای اموزش مشاغل ، شغل هایی که دوروبر مدرسه هست مثل نونوایی ، مثل میوه فروشی . اینها امکاناتی هستش که همکار هارو تشویق میکنیم حتما استفاده کنن .

فکر میکنین این تغییرات ، حالا مبنای این تغییرات ، یک موردی گفتین که نسل ما توی فضای مجازی هستش در واقع اطلاعات زیادی در دستشون هست ، تاکید میکنین روی \* فضای مجازی ، مثلا بیشتر استفاده کنن . حالا معلما احتمالا کار تحقیقی بعد پژوهشی از اون سمت این موارد رو بدن . حالا این تغییراتی که مدنظتون هست و میگین باید به این شکل انجام بشه ، بر چه مبنایی هست ، یعنی بجز اینکه بچه ها باید یا معلما استفاده بکنن از اون فضای مجازی یا تخته هوشمند اینهایی که حالا در اختیار مدرسه هست ، این مبنا در ئاقع چی هست ، برخاسته از چه بینشی یا مثلا نوع نگاهی میاد ؟ حالا من چند تا مثال براتون میزنم شاید بیشتر جا بیوفته سوالم ، این براساس اینکه میگید محتوای اموزشی کتاب رو ببریم مثلا تغییراتی روش بدیم که بشه اموزش داد یا خب نظریات یادگیری میدیم خیلی پیشرفت کرده ، ما براساس مثلا اونها میایم یک تغییراتی رو اعمال میکنیم یا مثلا خاسته معلمان ، نیاز های دانش اموزان ، نیاز های والدین برچه مبنایی یا اصلا بگیم نظریات خودم ، یعنی خودم فکر میکنم و به این نتیجه میرسم که باید این کارو کرد ، برچه مبنایی شما این رو ایده هاش رو میدین برای تحقیقات ؟

ببینید من معتقدم هر پدیده ای یک نکات مثبت داره یک نکات منفی داره ، هیچ چیزی مطلق نیست ، اینکه ما صد درصد قبول بکنیم یا صد درصد ردش بکنیم . برای همین همیشه تاکید میکنم که هر پدیده ای رو نکات مثبتش رو سعی بکنیم تقویت بکنیم و بیشتر استفاده بکنیم . الان هم با توجه به شرایط ما خیلی تاکید به این مساله داریم ، ما الان امسال که قرار بوده مدارس حضوری باشن ، در واقع تو این چهار ماه بچه ها فقط سی روز اومدن ، مدرسه خب این اصلا میطلبه و ما باید فضایی رو ایجاد بکنیم که روزهایی که غیر حضوریه یا تعطیله ، اموزش تعطیل نشه بتونیم از اموزش استفاده کنیم . خب چکار میتونیم بکنیم ، همین استفاده از فضای مجازی . ما ناگذیریم ، چاره دیگه ای نداریم ، وگرنه قطعا که خب حضوری برای بچه هایی که پایه های پایین ترن میتونه خیلی موثر تر باشه میتونه خیلی مفیدتر باشه اون تعاملی که در حضوری هست ، ولی شرایط حالا چه الودگی هوا باشه ، چه این مساله گاز که مطرح شده یا مساله کرونا ، اینا همه یک وضعیتی رو ایجاد کرده که ما ناگذیریم که به این سمت بریم .

ببینید من منظورم چیز دیگه ایه ، حالا ما توی فضای مجازی میریم توی خود همون فضای ، فضای مجازی خیلی کلیه ، خب ما اینو میبریم تو فضای مجازی . اینکه توی فضای مجازی ، حالا باز هم از امکانات ، اینکه ما اون فضای یادگیری بچه ها رو چطوری طراحی بکنیم ، حالا ممکنه مثلا بگیم ما میریم توی یک فضایی مثلا مثل \* بچه ها گروه بندی بشن اصلا کار کنن ، یا مثلا تو همین شاد فیلم های اموزشی بفرستیم ، البته توی فضای مجازی دست بسته تر میشه و جای مانور خیلی نداره محدود تر میشه ، من بیشتر صحبتم روی زمانی هست که بچه ها بصورت حضوری هستن و کاملا فضا فیزیکی و تعاملی هست ، اینجا میخام بدونم شما یاده هایی که برای طراحی این محیط میبینید حالا از چیدمان مبلمان پرده درو دیوار همه اینها ، اینها رو برچه مبنایی در واقع طراحی میکنین ؟ وگرنه که خب واقعا اون فضای مجازیه رو بقول شما شرایطه و محدودیت های ماست که به اون شکل مجبوریم پیش بریم.

یکی از کار هایی که همین امسال اتفاق افتاده ، یک شیوه جدیدی به اسم مساله محور . این رو با توجه به این که مدرسه ما جزو این طرح قرار گرفت ، هم همکارا اموزش دیدن در اجرای این روش و هم داره پیگیری میشه که این روش رو یاد بگیرن و اجرا کنن شیوه مساله محور که دیگه به یان صورت نباشه که معلم بخاد درس رو با تشویق حالا با تنبیه با جایزه دادن به بچه ها یاد بده ، اون موضوع درسی و محتوای درسی مساله خود دانش اموز بشه و خود دانش اموز به دنبالش بره ، این رو ما همین کاری که کردیم اموزش به همکارا ، پیگیری و تشویق به این که شیوه های اموزشی شون رو به این سمت ببرن .

خب این شیوه مساله محور روی فضای شما هم قاعدتا تاثیر گذاشته دیگه روی طراحی فضا ، چه تاثییری گذاشته ، چجوری تغییر کرده ؟

یکی اینکه همینکه فقط کلاس رو فضای اموزشی ندونن و از فضا های دیگه مثل حیاط ، نمازخونه ، ازمایشگاه اینا استفاده بشه ،

این فضاهای بیرون هم همینطور ؟ مثلا نونواییو مشاغل که گفتین همین طرحه ؟

بله ، اصلا ارتباط با مسجد خیلی توش پر رنگه ، ارتباط با نهاد هایی که دوروبر مدرسه هست خیلی توش پررنگه و چیدمان کلاس هم اینطوری نباشه که بصورت ردیفی پشت سر هم ، بیشتر سعی بکنیم که بچه ها در تعامل بیشتر باهم باشن ، گرد میتونن بچینن ، به هر شکلی که گروهی و تعاملی بتونن باهم کار بکنن ، تغییری از نظر فیزیکی و محتوایی توش داده شده.

خب برای بردن بچه ها به بیرون بازم نیاز به مجوز دارین ؟ چون مدیرای دیگه بحثشون این بود ما تا دو قدم اونبر تر هم بخایم بریم باید مراحل قانونی مجوز رو طی کنیم .

بله . قطعا که اینطوره ما بدون اجازه والدین یا حالا اگر راه دور باشه ، نمیتونیم ببریم .

یعنی اگر نزدیک باشه ، مجوز اداره رو نیاز ندارین ؟

نه ، مثلا برای مسجد رو یک مجوز اولا از اولیاشون گرفتیم که هر وقت فرصت بود و نیاز بود ، ایا اجازه میدن که بچه هاشون رو ببریم مسجد ؟ مجوز کلی رو اونجا گرفتیم ولی برای اداره این راه اینقدر نزدیک برای اداره نیاز نیست .

برای شما که تو طرح مساله محورین نیاز نیست یا کلا نیاز نیست ؟

فضای اینقدر رو نزدیک رو اگر اولیا اجازه داده باشن و در جریان باشه اداره خیلی چیز نیست .

چون بعضی از همکارانتون میگفتن که ما مثلا مسجد نزدیکمونه یا مثلا سر این محله اون دست یک خیابونیه یک خیابونه خلوته یعنی کوچه بود بیشتر ، ولی میگفتن ما اینقدر دستمون بستس که باید مراحل قانونی مجوز رو بگیریم .

بیشتر مجوز اولیا مهمه ! اولیا باید حتما رضایت داشته باشن و در جریان باشن . این چیزی که نزدیک هست و خیلی چیز نیست جابه جایی زیادی نداره .

خانوم محمدی به نظر شما در جایگاه مدیریت نقشتون در طراحی این فضا چیه ؟ خودتون تو طراحی مشارکت داشتین یا ایده ای داشتین ، اصلا طراح اون فضا خودتون بودین یا نه ؟

یکی از باورای من اینکه خیلی همچی رو به همکارام دیکته نکنم ، یعنی نگن همه باید این شکلی باشن ، همه باید این کارو بکنن ، من چارچوبارو مشخص میکنم مثلا حدود رو مشخص میکنم ولی دست همکارامو برای خلاقیتاشون ، برای ایده های شخصی شون باز میزارم . این باور خودمه . مثلا اگر پنج تا کلاس دوم اگر الان بیارین توی مدرسه هر پنج تاشون موفقن ، هر پنج تاشون چارچوبا رو رعایت میکنن ، اما هیچ کدومشون با اون یکدیگری قابل مقایسه نیست ، خیلی باهم متفاوت ان ، ولی در عین اینکه تفاوت دارن خلاقیتاشون رو دارن و روش های خودشون رو پیاده میکنن ، چارچوب ها و خطوط قرمز رو رعایت میکنن . من خیلی معتقدم به خلاقیت و استعداد های فردی افرادم ، میگم نباید اینهارو متوقف کرد و جلوشو گرفت .

متوجه شدم منظورتون رو ، حالا یک سوالی دارم اینکه چارچوب و خط قرمزتون چی هستش ، قبلش بپرسم اینو ، خب من الان دقت که میکردم حالا به درو دیوارو اینا خب هم رنگ امیزی مدرسه ، این درو دیوار طرح هاش رنگ هاش ، روی در همه کلاس ها مثلا یسری گل خورده بودو حالا اسمشون اینا ، حالا این ها طرح خودتون بوده یا نه ، معلم ها باهم به این نتیجه رسیده بودن که این کارو انجام بدن ، کجاها ایده خودتون مستقیم بوده کجاها نبوده ؟

ما چون دوره اول ابتدایی هستیم ، اول دوم سوم و حالا پیش دبستان هم داریم ، تمرکز روی شادی بچه ها نشاط بچه ها و سرزنده بودن مدرسه هست . از این نظر یکی از اون چارچوبا و یکی از اون مواردی که تاکید میکنیم روی همینه که همکارا سعی بکنین کلاستون شاد باشه ، سعی بکنین که فضا زیبا باشه ، سعی بکنین که بچه ها از محیط لذت ببرن ، این چارچوبه ، ولی اینکه هر همکاری اینو چجوری اجرا میکنه فرق میکنه یک همکاری میاد زیبایی فیزیکی رو دردیوار چیزی میچسبونه ، یک همکاری میاد از موسیقی استفاده میکنه تو کلاسش ، یک همکاری میاد مثلا ورزشو نرمش این هارو توی کلاسش پررنگ میکنه و دیگری ممکنه هرسه این هارو بکنه ، اون دیگه خلاقه . ولی این که باید کلاس شاد باشه این که تمرکز ما روی شادی بچه ها زیبایی کلاس و اینها باشه برای همه هست . این تایین شده ولی هر معلمی چجوری اجرا بکنه دیگه به خلاقیت خودش بستگی داره .

فکر میکنین اولا که با چه موانعی روبرو هستیم ، یعنی تو همین فضای که میخاین ایجاد بکنین واسه همکارا ، و حالا بطور کلی فضای مدرسه ، چون طبیعتا یک بخشایی زیر نظر مستقیم خودتونه دیگه ، یعنی فضاهای مثل حیاطو راهرو اینا ، فکر میکنم بطور مستقیم زیر نظر مستقیم خودتون باشه درسته .؟

بله من و معاونم .

موانعتون چیه برای مواقعی که بخاین کاراتون رو پیش ببرین در این زمینه یا بخاین تغییراتی تو این فضا بدین ؟

تو فضا ما خیلی محدودیت نداریم ، دستمون باز هستش ولی این روشهایی که میخایم اجرا بکنیم با توجه به این که همکارای ما خیلی با سابقه ان ، اکثریتشون دیگه در شرف بازنشستگی هستن ، تقریبا تو تغییرات یک سری مقاومت ها هست و اینکه شاید سخت باشه براشون تغییر و احساس بکنن که دیگه نیازی ندارن ، این یکی از محدودیت هامونه و محدودیت دیگه بخصوص تو سال های اخیر اولیا ، که خیلی دخالت هاشون زیاد شده تو فضای مجازی پا به پای معلم بودن ، در واقع کنار بچه و معلم بودن ، احساس میکنن میتونن در هر زمینه ای نظر بدن ، مقاومت بکنن یا مخالفت بکنن ، این باز یکی دیگه از موانعی که ایجاد شده .

مثال میتونین بزنین برامون ؟

بله ، دیگه همین خود روش تدریس ، مثلا معلم حالا یک روشی رو برای تدریس میخاد انجام بده یا ارائه بکنه ، مادر میگه نه ، این درست نیست یا من اینو قبول ندرام ، خودشو خیلی صاحب نظر میدونه . ممکنه حتی تو جنبه های انظباطی معلم میاد یک موردی رو مطرح میکنه یا انتقاد میکنه از بچه ، اصلا اولیا پذیرا نیستن که نه این شیوه درست نیست ، درحالی که ما وقتی تو کلاس هستیم خوبه تو کلاسیم خیلی دخالت اولیا رو ندرایم ، ما الان دخالت اولیا خیلی زیاد شده ، بخصوص میگم باز چون ما دوره اولیم و خانواده ها اکثرا تک فرزندن یا اولین بچشونه خیلی هم حساسیت هاشون زیاده هم مخالفت هاشون و هم مقاومت هاشون ، ما اینا خیلی داریم .

مساله بودجه چی ؟

بودجه که خب اموزش پرورش چیزی به مدارس نمیده ، مخصوصا مدراسی مثل ما که منطقه دو ایم و میگن شما برخوردارین ، ولی از طریق مشارکت های مردمی هر هزینه ای که داریم رو تامین بکنیم ، خدارو شکر خانواده ها همکاری میکنن تو این زمینه ، ضمن این که چون مدرسه ما از حسن شهرت خوبی برخورداره کمتر تو این زمینه مقاومت داریم ، راحت تر پرداخت میکنیم .

فکر میکنین مدیری که بخاد توی همین بحث طراحی ، حالا بقول شما دست معلمارو باز بزاره چارچوبی داشته باشه به شیوه خودتون ، چه شایستگی هایی بطور خاص ، یک سری شاستگی هایی که بطور عمومی فرمودین ، بطور خاص باید چه شایستگی هایی تو این زمینه داشته باشه ؟

مدیر ، خیلی معتقدم چه معلم و چه مدیر ، باید دید هنری داشته باشه خودش ذوق هنری رو داشته باشه و علاقه مندم به کارش باشه وقتی شما علاقه مند به کاری هستی با عشق کار کنی حتی اگه چیزی هم بلد نباشی ، دنبالش میری و یاد میگیری . این دو رو من فکر میکنم خیلی میتونه کمک بکنه و دیگری تعامل تعامل چه با اولیا چه با همکارا چه با مسئولین باید با هرسه این تعامل خوب داشت و یک گوش شنوا . وقتی گفتم حتی اگر شما علمش رو نداشته باشین ، هنرش رو نداشته باشین ، ولی این گوش شنوا رو دارید و علاقه مندی رو دارین کسب میکنین.

میتونین مصداقی از مواردی که رفته باشین دنبالش و اینکه چطور به دست اوردین رو بهم بگین ؟

بله ، همین مساله همین روش مساله محور ، الان امسال ما هستیم این خیلی داوطلبانه بود نه اجباری بود و نه اینکه بگیم که ما صد درصد انتخاب شدیم ، ولی من چون خودم شوق یادگیری دارم به محضی که شنیدم همچین چیزی رو قبول کردم و رفتم تو جلساتش شرکت کردم ، داوطلب شدم که بیان به ما اموزش بدن ، بیان و در مدرسه ما اجرا کنن ، این یک موردش بود ، به موارد دیگه مثلا وقتی میبینم تو یک مدرسه دیگه یا یک موفقیتی یا یک کار خوبی اتفاق افتاده من بی تفاوت ازش نمیگذرم میرم ، خیلی میرم میپرسم چی بوده چی شده ، اگر که ببینم واقعا موثره ، سعی میکنم از همکارم بپرسم یاد بگیرم که اگه میشه تو مدرسه اجرا بکنیم . این یک نمونه ای بوده از مواردی که اتفاق افتاده .

شما همین ظاهر فیزیکی مدرسه رو تو حسن شهرت مدرسه موثر میدونین؟

یکی از شاید شاخصه هاش همین باشه بله ، ما چون محلی که مدرسه ما قرار گرفته محل خوبیه ، فضایی که مدرسه داره مثل حیاط خب بله این خیلی خوبه ، مدرسه ما دو طبقه هستش خیلی پله نداره برای بچه های کوچیک ، معمولا مدارسی که طبقات زیادی داره خب هم خطرناکه و هم سخته ، اره یکی از شاخصه هاش شاید همین باشه . ولی خود همکارا که بسیار اکثریتشون توانمندن ، پرتلاشن و همکارایه خوبین ، این باز یکی از شاخصه هاشه ، مورد دیگه همینکه ما متوقف نیستیم ما سعی میکنیم هرسال رشد بکنیم ، هرسال تغییرات کیفی داشته باشیم ، شاید از عوامل موثر بوده که حسن شهرت ماست .

این فضای اطراف مدرسه که گفتین بچه هارو میبرین حالا ، شاید یک مقداربخایم جزئی تر صحبت کنیم ، چه مقدرا مناسب میدونین برای یاد گیری؟ممکنه بگید یادگیری منفی هم زیاد دارن یا ممکنه بگید با یک سری موانعی روبرو هستیم که جاهایی نمیتونیم حتی ببریم ، چون فکر میکنیم فضای مناسبی نیست .

میگم مسجد که خیلی میتونه کمک کنه ، حتی ما از سالن مسجد از فضای مسجد استفاده میکنیم ، حتی از اون بخش فرهنگی مسجد که مثلا میان سرود کار میکنن با بچه ها ، نقاشی کار میکنن ، خیلی استفاده میکنیم . سرای محله هم همینجور ، چون باز برای اون ها هم راحته که نزدیک مدرسه ماین ، خیلی از امکانات و فضاهاشون و توانشون استفاده میکنیم و خیلی دور نمیبریم چون میگم خیلی بخایم دور ببریم اون مشکل مجوز اینهارو داریم ، همین که دوروبر مدرسه هست و خودمونم نظارت داریم نه .

خب همین مثلا مشاغلی که دوروبر مدرسه ان ، چجوری بچه ها تو محله میرن و به حرحال چیزایی یاد مییرن ؟

با معلم دیگه ، با معلم میرن .

چون خیلی از یادگیری های بچه ها صرفا از طریق دیداری حاصل میشه .

ضمن اینکه حتی ببین مورد منفی هم باشه ، مثلا بچه میره اونجا ممکنه حتی دعوا ببینه ، یک دعوایی یک مشتری اومده نون بگیره اعتراض کرد ، بعد بعضی ها شاید بگن این نا مناسبه ، نباید بچه ها مثلا اینو میدیدن ، من حتی اینو میگم یک فرصت یادگیریه . بیایم از این به عنوان یک فرصت یادگیری استفاده کنیم ، بچه ها چرا این اتفاق افتاد ، درست بود این کار ، درست نبود ، چیکار باید بکنیم که با همچین چیزی مواجه نشیم . حتی اگر چیز نامناسبی هم باشه ، بچه هاکه نباید قرنطینه باشن ، باید ایزوله باشن ، بچه ها قراره تو این جامعه بزرگ بشن .

ساختمون چه سالی ساخته شده؟

این ساختمون سال هفتادو دو تموم شده .

تقریبا سی سال میشه درسته؟ ولی بازم هم زمینش بزرگه هم ساختمونش دو طبقه هست . خیلی مدارسی که مثلا من دیدیم نوسازن تازه دارن ساخته میشن خیلی زمیناشون کوچیکتر از اینه و چند طبقه ان ، مثلا سه طبقه حتی چهار طبقه ان . توی بحث طراحی ساختمون که شما نمیتونید تغییری اعمال کنین ؟

نه .

شده تاحالا فکر کنین مثلا دیوار های کلاسو بردارم ؟ یا همچین تغییراتی بدم ؟

اره ، اتاق معلما روزی که من اومدم ، یک اتاق کوچیک بود . بقلشم یک کلاس کوچیک بود ، خب ما این دوتارو یکی کردیم ، دیوار وسطو برداشتیم ، اتاق معلم هارو بزرگ کردیم .

خود کلاسا چی ؟ یعنی اون محل درس بچه ها .

کلاس بچه ها تقریبا اون کلاس استاندارده او اینا نه ، تغییری درش ایجاد نکردیم . ولی یک کلاسای دیگه ای داریم که توی حیاطه و بعدا ایجاد شدن و بعدا به فضاها اضافه شدن ، مثلا چینش تختشو دوسه بار تغییر دادیم ، گاهی اوقات معلم خاسته که بچه ها حالت افقی بشینن که تخته روبروشون باشه ، معلم دیگه اومده گفته که نه بچه ها حالت ردیفی عمودی بشینن که تخته روبروشون باشه ، مثلا جایگاه تخته یا ردیف یا طرز نشستن بچه هارو تغییر دادیم .

متناسب با خاست معلم پس این تغییرات رو ایجاد کردین .

بله ، سعی کردیم که بتونیم این چینش هارو تغییر بدیم .

برگردیم به همون بحث فضا ، ببخشید بحث محله ، فکر میکنین چه ویژگی هایی تو خودتون هست ، حالا احتمالا ویژگی های شخصیتی خودتون میشه که خیلی راحت دارین از فضای بیرون استفاده میکنین ، خیلی از همکارانتون حالا چه از فضای مسجد و چه از سرای محله یا فرهنگ سرا اینا نمیتونن استفاده کنن ، البته قالبا شکایتشون اینه که اونا خیلی با ما همراهیی نمیکنن ، ولی شما خیلی راحت از فضای بیرون استفاده میکنین و هم از محله استفاده میکنین ، چی باعثشه ؟

اینو البته من معتقدم باید ازونا بپرسین ، ارتباط خوبی که با اولیا و نهاد ها داریم ، یعنی گوش شنوا اولا خیلی داریم ، پذیرا هستیم و من خودم خیلی راحت با افراد ارتباط برثرار میکنم و صحبت داشته باشن میشنوم و راحت با بقیه کار میکنم ، خیلی بسته نیستم . حالا شاید این خاطره وقتتون هم بگیره ، یک خاطره ای من دارم این برام خیلی ارزشمنده . دوسه سال اولی که تازه مدیر شده بودم اینجا ، یک دوره برا ما گذاشتن ، دوره ضمن خدمت ، اول برا همکارا گذاشتن و با یک مدرس هم بودن ، یعنی مدرس اول برای همکارا کلاس گذاشتو کلاس برگزار کرد و بعد گفت برای مدیرا ، روزی که ما رفتیم مدیران تو اون کلاس قرار گرفتیم ، همون مدرسی بود که به همکارا درس داده بود ، تا شروع کرد بحثو و یک پنج دقیقه ای ادامه داد یهو برگشت و گفتش که ، مدیر مدرسه شهدای هویزه تو جمعتون هست؟ ما حالا تو اون جمع بودیم یکم خودمون جمعو جور کردیم گفتیم حالا چه اتفاقی میخاد بیوفته ایناها ، بعد یهو همه گفتن بله میرمحمدیه و نشون دادن ، باور کنید عین این جمله که من به شما تبریک میگم ، شما چه مدرسه فوق العاده ای دارین چه همکارای فوقالعاده ای دارین ، من واقعا انتظار همچین چیزیو نداشتم ، خیلی همکاراتون خوبن ، فوق العاده ان و یک چیز منحصر به فرد من توی مدرسه شما دیدم تو همکاراتون ، همه گفتن چی بوده چیشده؟! گفت ببین وثتی میایم هرکدوم میرن یک گوشه میشینن ، جدا مثلا خودشون کار خودشون رو میکنن ، ولی مدرسه شما رو دیدم همشون باهم اومدن یکجا نشستن چه رابطه خوبی باهم داشتن ، چقدر خوب باهم کار میکردن ، چقدر بهم کمک میکردن ، گفت این خیلی چیز متفاوتی بود ، حالا به من برگشت که چکارکردی که مدرسه ات اینجوریه ؟! باور کنین من اون روز نمیدونستم ، گفتم من کار خاصی نکردم ، بقیه هی میگفتن میرمحمدی بگو تروخدا بگو چیکار کردی ، گفتم بخدا من کار خاصی نمیکنم . بعده ها من یک کتاب خوندم به اسم هفت عادت مردمان موثر ، کتاب فوق العاده ایه بهتون توصیه میکنم حتما بخونین . من تو این کتاب هفت عادت مرمان موثر چیزی رو دیدم که در من هست ، تو خودم اینارو دیدم و بعد احساس کردم که خب ایناس ، مثلا یکی از مواردش همین تعامل خوبی با دیگران ، خوب میشنوی دیگران ، همدلی با دیگرانو داری ، این همدلی خیلی مهمه . نیاز های دیگران برات مهمه ، برات اهمیت داره ، خب بقعد متوجه شدم که شاید این ویژگی ها باعث شده که این اتفاق بیوفته ، اینه که یک ویژگی های فردیه ، شاید یک ادمی سخته براش اون ارامشه ، اون \* براش ، من شاید حالا بصورت غریزی این رو دارم ، و یک چیزایی هم کسب شده دیگه ، سعی کردیم تقویتش کنیم . این بود من حسم این بود که این شاید موثر باشه .

و من چیزی که الان دارم برداشت میکنم از گفتگویی که داشتیم تو این نیم ساعت در این صحبت ها ، خودتون رو در کنار معلم ها و همکاران دارید میبینید .شما یک بخشی از اون چارچوبارو شما میگین ، همکار خلاقیتشو میده ، یعنی همه باهم دارید سیستم رو پیش میبرید .

و اگه هرجا همکارم مشکل داشته باشه ، خیلی راحت میتونه بیاد با من مطرح بکنه ، اینم دیگه حالا بوده همکاری که بعد از یک هفته تعطیلی یهو روز تعطیلیش که اومده میگه امروز بچم مریضه ، امروز نمیتونم بیام ، این خیلی شاید سخت باشه که بعد یک هفته تعطیلی یا یک هفته مرخصی دوباره روز اولی که باید بیاد سر کار میگه خب عیبی نداره ، حالا شما به بچت برس ولی حتما جبرانش کن و میکنن ، چون این همدلی هست .

خیلی ممنون خانوم میرمحمدی جان ، همه چیز عالی . من میتونم شماره خودتون رو داشته باشم که اگر سوالی چیزی بود ، چون من میخام همه اینارو پیاده بکنم .

بعید میدونم تلفنم رو جواب بدم ، ولی با مدرسه تماس بگیرین معرفی بکنین ، اگه من باشم میگم وصل کنن .

توی پیام رسان ها میتوین ؟!

بله ، میتونین پیام بدین جواب میدم ،

اره ، میتونم اینجوری پیام بدم چون بعد اینکه تایپ کردم بفرستم ، شمارتون میدین .

9123153796

من بله رو دارم شادم که هست .

شما خانوم ؟

من مصباح هستم .

براتون ارزو موفقیت میکنم